

کنکاشی در اصول طراحی فضاهای باز با توجه به پیشینه معماری و شهرسازی ایران

محمد فرخزاد^{۱*}، ایمان مدبری دوم^۲

^۱ استادیار معماری و عضو هیأت علمی دانشگاه گلستان، گرگان

^۲ کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مازندران، ساری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۰۱

چکیده

از دیرباز فضاهای باز در معماری و شهرسازی ایران مورد توجه بوده و می‌توان گفت هیچ بنایی احداث نمی‌شده مگر آن که سامان‌دهی و شکل‌گیری صحیح فضاهای باز آن نیز مدنظر معمار بوده است. اصول پایدار معماری گذشته ایران در فضاهای باز نیز مشاهده می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به احترام به طبیعت، توجه به تناسبات، وحدت میان کل و جزء، پایداری و هماهنگی با اقلیم، ایجاد حس مکان و هویت فضایی اشاره نمود. در این میان همیشه توجه خاصی به فضای باز در طراحی مسکن ایرانی وجود داشته است. رعایت الگوهای بومی پر و خالی در خلق فضاهای زندگی ایرانیان منطبق با فرهنگ همساز با طبیعت این ملت در اقلیم‌های مختلف کشور و برای قرن‌های متمادی شیوه عملکرد معماران بوده است. در قرون اخیر متأسفانه با گذشت زمان و بالاخص با حضور فرهنگ بیگانه در معماری مسکونی این سرزمین، توجه به خلق فضاهای باز پویا و هماهنگ با زندگی ساکنان، به فراموشی سپرده شده و محدود شدن چنین اماکنی به پارکینگ‌ها، انبارها یا مسیرهای تردد به درون واحدهای مسکونی، عملاً به کارگیری فضاهای باز را به عنوان بخشی از محیط زندگی انسان، از مجموعه‌های مسکونی حذف کرده است. این مقاله شامل سه بخش می‌باشد. دو بخش اول در فرآیند پژوهشی کتابخانه‌ای و با کنکاش در منابع مختلف، ابتدا به بررسی ویژگی‌های فضاهای باز در معماری گذشته ایران می‌پردازد و شکل‌گیری آن را در مسکن ایرانی تحلیل می‌کند و سپس سیر تحول الگوی فضای پر و خالی در معماری معاصر ایران و چالش‌های حادث شده در ایجاد فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی امروزی بررسی شده است. در بخش سوم مؤلفان تلاش کرده‌اند تا با به کارگیری روش تحقیق کیفی و براساس شرایط موجود و قوانین کنونی معماری و شهرسازی حاکم در کشور، با تدوین راه کارها و پیشنهادهای طراحی در فضاهای باز، اصول بیان شده بخش اول در شکل‌گیری این اماکن را در معماری مسکونی احیا نمایند.

واژگان کلیدی: فضای باز، الگوی پر و خالی، مسکن ایرانی، طراحی فضای باز، معماری و شهرسازی ایران.

به لحاظ عملکردی این فضاها شامل فضاهای ارتباطی نظیر کوچه و گذر، خیابان و واشدگاه و فضاهای تجمع و مرکزی مانند حیاط، میدان و لرد است (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲).

معماری سنتی ایران متشکل از ترکیب معنادار فضاهای پر و خالی (فضاهای باز و بسته) است. در معماری سنتی ایران فضای باز و بسته آن چنان در هم تنیده و به هم پیوسته‌اند که هر کدام شکل دیگری را تعیین می‌کنند و به جرأت می‌توان گفت غنای معماری سنتی مرهون فهم درست و تلفیق مناسب این دو فضا است. در این معماری قسمت‌های پر و ساخته شده و قسمت‌های ساخته نشده هر دو دارای اصالت و واجد ارزش هستند و توانسته‌اند کلیت خوانا و قابل درکی را با کیفیتی منحصر به فرد خلق کنند (پیشین: ۱۵۲). در معماری و خانه‌های سنتی ایران فضای باز عنصر اصلی شکل‌دهنده و تعریف‌کننده و عامل هویت‌بخش به فضاهای بسته بوده و همواره به آن جهت می‌بخشیده و با همه اجزا تعاملی صحیح داشته است.

حیاط‌های مرکزی در معماری سنتی ایران بسان قلب تپنده‌ای مرکز تمام نیروها، رویدادها و محل تجمع ارزش‌ها هستند. به گونه‌ای که ارزش‌های ساختاری، غنا، هویت و کیفیت مطلوب فضایی در این بخش از خانه به اوج خود می‌رسد. در این نوع معماری حیاط خانه قسمت به جا مانده طراح و ساخت و ساز نیست (تصویر شماره ۱). در بافت بومی شهرهای سنتی نیز فضاهای باز نظیر میدان‌ها، خیابان‌ها و معابر، فضاهایی انسان‌محور بوده و با همین ویژگی کانون‌هایی برای حضور و برای شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی، تعاملات اجتماعی و انسانی بوده‌اند و به واقع، مرکزی را برای فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی، فراغتی، گردش، زندگی مدنی و تبادل دیدگاه‌ها، عقاید و دیدگاه‌ها افراد جامعه فراهم کرده‌اند. چنین فضاهایی مؤید این مهم هستند که سازمان‌دهی محله‌های شهری سنتی حول یک فضای باز اصلی و سازمان‌دهی اجزای خانه سنتی حول فضای باز امری تصادفی نیست و بسیار مدبرانه، آگاهانه و هدف‌مند صورت گرفته است (پیشین: ۵۳).



تصویر شماره ۱: سازمان‌دهی فضای باز، حیاط خانه لاری‌ها در یزد، مأخذ: نگارندگان

نقش فضای باز در معماری سنتی ایران

فضای باز به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار در مطلوبیت و غنای معماری ایرانی نقش تعیین‌کننده و محوری داشته است. نقش و

از بین رفتن پیوند نزدیک مسکن با طبیعت و بی‌هویتی معماری معاصر و کمبود شدید غنای فضایی و عدم تعلق به مکان در خانه‌های معاصر، اتفاقی است که به دلیل از بین رفتن جایگاه ارزشی فضای باز و عدم توجه به طراح‌ی این فضا در مجموعه‌های مسکونی رخ داده است. در گذشته، حیاط به عنوان قلب تپنده فضای مسکونی، شاخص‌ترین و یکی از دوست‌داشتنی‌ترین بخش‌های خانه به شمار می‌رفت. حذف این عرصه از واحد مسکونی و عدم توجه به آن در مجموعه‌های مسکونی، منجر به کاهش کیفیت فضایی مسکن شده و بنابراین پیامدهای منفی زیادی را در زمینه سلامت جسمی و آرامش روحی و روانی افراد و رشد و پرورش کودکان و در نتیجه آثار سوء اجتماعی به همراه دارد. از طرفی افزایش مصرف انرژی نیز به دلیل حذف کارکرد اقلیمی فضای باز و استفاده تمام وقت از فضاهای بسته از دیگر تبعات این موضوع است که منجر به آثار سوء اقتصادی می‌گردد. این مقاله به دنبال راه‌کارهایی برای ایجاد توازن و رابطه مطلوب بین انسان و طبیعت و ایجاد حس تعلق و مشارکت در مجتمع‌های مسکونی و بازآفرینی مفهوم باغ ایرانی در کالبدی جدید و در مجموع به دنبال احیای دوباره مفهوم حیاط در فضاهای مسکونی معاصر است.

روش پژوهش

این مطالعه با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز را از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با طراحان فعال در این زمینه و تجارب شخصی و نیز بررسی‌های میدانی جمع‌آوری گردیده است. نتایج حاصل از این بخش با نمونه‌ای واقعی که طراحی گردیده و هم اکنون در حال ساخت و رو به اتمام است، مقایسه و به عنوان نتایج اجرایی بیان شده است. در این پژوهش سعی شده حرکت گام به گام از مباحث نظری و تاریخی به جنبه‌های کاربردی و علمی اتفاق بیافتد و با هدایت نتایج نمونه اجرایی که در این مقاله ذکر شده پروژه پردیس در مشهد مقدس است که در ابتدای بلوار هنرستان (بین هنرستان ۴ و ۶) قرار دارد. فاز مطالعات این پروژه در بهار ۹۱ شروع و پس از ۷ ماه ساخت پروژه آغاز گردید. این پروژه مسکونی با زیربنای ۷۲۰۰ مترمربع در حال ساخت است و پیش‌بینی می‌شود فاز یک پروژه در پاییز ۹۳ به اتمام برسد.

مبانی و مفاهیم فضای باز در معماری سنتی ایران

مراد از فضای باز فضای میان ساختمان‌ها، قسمت‌های خالی، تهی و فضاهای منفی است که در فرآیند معماری و شهرسازی در کنار فضاهای بسته، مثبت و پر، پدیدار می‌گردند. از آن‌جا که واژه‌هایی نظیر فضای منفی، تهی، خالی و ساخته نشده دارای بار منفی است، لذا به باور نگارندگان فضای باز شایسته‌ترین واژه به نظر می‌رسد.

فضاهای باز در مقیاس خرد و عرصه‌های خصوصی شامل حیاط‌های مرکزی، گودال باغچه‌ها و مانند آن و در مقیاس کلان شامل فضاهای شهری نظیر میدان، کوچه و گذر، خیابان و واشدگاه است. هم‌چنین

فضای باز و ایجاد وحدت کل و جزء

در معماری سنتی کلیت معماری کامل است، اجزا نیز کامل هستند، به گونه‌ای که در این معماری هر جزء فضایی هویت خاص خود را دارد و هیچ فضایی به دلیل وجود قالبی کلی، الگوی ثابت و اصل حاکم بر کل مجموعه بی‌هویت و کمرنگ نمی‌شود (Michell, 1995). به واسطه کلیت واحد و منسجم فضاها، انسان به درک واحدی از آن‌ها دست می‌یابد. «وقتی فضا به صورت واحد ادراک می‌شود و به زیر فضاهای تفکیک شده از هم و یا کاملاً مستقل از هم تقسیم‌بندی و به عبارتی تکه تکه نشده باشد یکپارچه خواهد بود» (بالمعنی و پورجعفر، ۱۳۸۸: ۱۱).

معمار ایرانی آن‌جا که در خانه سنتی، اتاق‌ها و فضاهای جزء را حول حیاط مرکزی سازمان‌دهی کرده و یا آن هنگام که خانه‌ها را حول یک فضای باز میدان قرار داده، توانسته است رابطه صحیح بین اجزای تشکیل‌دهنده کل و رابطه متقابل جزء و کل را استاندانه درک کند. او زمانی که تصمیم می‌گرفت روی هر جزء کار کند، ابتدا رابطه این جزء را با کل درک می‌کرد. حیاط مرکزی بسان نخ تسبیحی همه دانه‌ها را به هم می‌پیوندد و ارتباط بین قسمت‌های مختلف را برقرار می‌کند. در مقیاس وسیع‌تر نیز، فضاهایی نظیر مراکز محله‌ها، میدان‌ها و میدانچه‌ها به عنوان گره و نقاط اتصال بسیار قوی گذرها، معابر و شبکه‌های ارتباطی را به گره می‌زنند و کلیتی پیوسته و منسجم را خلق می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۵).

بر همین مبنا می‌توان نتیجه گرفت در این معماری «فضاهای باز از قبیل حیاط‌ها، میدان‌ها و میدانچه‌ها به مثابه عنصر ترکیب‌دهنده و وحدت‌بخش نقش بسیار مؤثری در ایجاد یک کل مطلوب ایفا می‌کنند که منبعث از اتحاد و توافق اجزا است و منجر به ترکیبی زیبا می‌شوند که به راستی تأییدی است بر نظریه آبرتی طراحی دوره رنسانس ایتالیا که می‌گوید: تعریف من از زیبایی هماهنگی اجزا است که با رعایت تناسب و ارتباط به گونه‌ای با هم جور شده باشند که دیگر افزودن بر آن یا کاستن از آن ممکن نباشد و هر تغییری در آن منجر به از هم پاشیدگی ترکیب و از میان رفتن وحدت شود (توسلی، ۱۳۷۰).

هر چند فضای باز و بسته در کنار هم معنا دار می‌شوند ولی الگوبرداری‌های نادرست و بی‌اساس از خیابان‌کشی‌ها و شبکه‌های ارتباطی شهرهای جدید، بافت‌های سنتی ما را حتی در روستاها دست‌خوش تغییراتی ناخوشایند کرده است؛ به گونه‌ای که میدانچه‌ها و مراکز محله‌های جدید تبدیل به تقاطع‌هایی بی‌معنا شده‌اند و پس‌مانده اجزا و دانه‌های تشکیل‌دهنده بافت هستند (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۵).

فضای باز و تناسب

قیاس تشبیهی و یا شباهت نسبی بین ساختار بدن انسان و معماری چه به دلایل زیبایی‌شناختی و چه به دلایل نمادین همواره مورد توجه و وسوسه‌انگیز بوده است. در تاریخ معماری نیز کوشش برای انسانی کردن پیکره معماری زیاد و مختلف بوده است (فون مایس، ۱۳۸۳: ۷۲).

تأثیر فضای باز در معماری و شهرسازی سنتی ایران بسیار گسترده است و ابعاد متعددی نظیر تعامل معماری و طبیعت، ایجاد وحدت جزء و کل، تناسبات، خلق معماری پایدار، احیای مکان و حس مکان، حفظ و ایجاد هویت فضایی، ایجاد تباین فضایی، ترکیب‌بندی و سازمان‌دهی فضایی، پیوستگی و تداوم فضایی، شفافیت، سیالیت فضایی، گشایش فضایی، توازن، تعادل و بسیاری موارد دیگر به واسطه وجود فضاهای باز در این معماری و شهرسازی میسر گشته است. در این جا به نقش‌هایی که به نظر بارزتر و برجسته‌ترند اشاره می‌گردد.

نقش فضای باز در تعامل معماری و طبیعت

شولتز می‌گوید: «انسان چیزی است در میان چیزها، او در میان کوه‌ها و صخره‌ها، رودها و درختان زندگی می‌کند، او آن‌ها را به کار می‌گیرد و باید آن‌ها را بشناسد. انسان به علاوه با نظم کیهانی (مسیر حرکت خورشید و چهار جهت اصلی) زندگی می‌کند. انسان با نور زندگی می‌کند و خود را با آن تنظیم و همساز می‌کند. او با ضرب‌آهنگ روز و شب، با فصل‌ها و در تاریخ زندگی می‌کند» (شولتز، ۱۳۸۸: ۲۳۵). از نظر او «انسان به عنوان موجودی زیست‌شناختی بخشی از طبیعت بوده و طبیعت واقعیت عینی است که خارج از آگاهی انسان وجود دارد. انسان می‌تواند بر طبیعت چیره شود بدون آن‌که خود را از آن جدا و منزوی سازد» (پیشین: ۲۳۷). بر همین مبنا به جرأت می‌توان گفت معمار ایرانی به راستی در احقاق حق انسان در جهت بهره‌گیری از طبیعت و ارتباط درست و متوازن با طبیعت سنگ تمام گذاشته است. در این معماری به واسطه وجود فضاهای باز، انسان درک صحیحی از طبیعت و به دنبال آن درک درستی از زمان و محیط اطراف خود دارد. در معماری ایرانی، نور خورشید بسیار زیبا، انتزاعی و هم‌چنین کنترل‌شده با تأملی خاص، هر جا که لازم است به داخل فضاها کشانده می‌شود و هر جا که غیر ضروری است با استفاده از جهت‌یابی و مکان‌یابی مناسب فضاها و پس از آن به وسیله آفتاب‌شکن‌ها، سایبان‌ها و تمهیداتی از این قبیل کنترل شده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۳). در این راستا هم‌جواری فضاهای باز در کنار توده‌های ساختمانی در هر بافت شهری، به منظور کنترل نور و گرما طراحی و اجرا شده است (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: جهت‌گیری فضاهای باز و نسبت میان پر و خالی، بخشی از بافت تاریخی شهر بیرجند. (URL1)

نقش فضای باز در ایجاد معماری پایدار

از محورهای اصلی مبحث توسعه پایدار و به دنبال آن معماری پایدار، لزوم توجه به خطرات تهدیدکننده محیط زیست است. معماری پایدار با کمترین تأثیرات مخرب بر محیط اطراف خود و توجه به منابع طبیعی موجود و صرفه جویی در مصرف منابع تجدیدناپذیر و حفظ آن برای آیندگان گامی اساسی در جهت رسیدن به توسعه پایدار است (Holloway, 2011). با مطالعه و شناخت معماری کویری ایران به جرأت می‌توان اذعان کرد که این معماری نه تنها ضایعه و تخریبی را به محیط و بستر خود تحمیل نمی‌کند، بلکه به گونه‌ای بسیار شگفت‌انگیز با محیط سروکار دارد. یکی از عوامل اصلی در ایجاد معماری پایدار ایران، طراحی مناسب و هوشیارانه فضاهای پر و خالی چه در مقیاس تک بنا و چه در مقوله شهرسازی است. اساس این معماری با تهی کردن قسمتی از خاک و ایجاد بنا از همان خاک در اطراف فضای تهی شکل گرفته است. وجود فضاهای باز حیاط مرکزی و یا گودال باغچه در دل هر تک بنا که معمولاً در سطحی پایین‌تر از بنا قرار دارند، امکانات مناسبی را برای ساخت و ساز با حداقل تخریب و آسیب‌رسانی به محیط زیست و عدم ایجاد زباله‌های ساختمانی فراهم کرده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۶). لذا ملاحظه می‌شود که «از خاک حاصل از گودبرداری این فضاهای خالی جهت ساخت بناهای خشت و گلی استفاده شده است» (پیرنیا و معاریان، ۱۳۸۴). چنین بهره‌برداری از عناصر طبیعی نه فقط در معماری کویری بلکه در معماری سایر مناطق ایران هم‌چون مناطق «معتدل و مرطوب» یا «سرد و کوهستانی» نیز دیده می‌شود. استفاده از این عنصر محلی با محتوای قابل بازیافت، در دسترس، با طول عمر زیاد، قابل جابه‌جایی در محل و منطبق و سازگار با اقلیم نه تنها هیچ خللی در چرخه طبیعی محیط زیست ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند الگویی برای ایجاد معماری پایدار باشد. در عین حال این معماری پایدار دوست‌دار طبیعت است و آب و گیاهان از عناصر جدایی‌ناپذیر آن محسوب می‌شوند (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵: به‌کارگیری عناصر طبیعی آب و گیاه در جهت تأمین معماری پایدار، حیاط خانه طباطبایی‌ها در کاشان، (URL3)

با مطالعه تناسبات در معماری تحسین‌برانگیز ایران می‌توان آن را حاصل تجربه به مقیاس انسانی خواهیم یافت. توجه به این امر در فضاهای پر و خالی منجر به ایجاد فضاهای مأنوس و کاملاً انسانی شده است. در این معماری، تناسبات در، جداره ساختمان، یا مجموعه‌ای فضاهای شهری براساس مقیاس انسانی در نظر گرفته شده است. آن هنگام که ناظر در برابر هر نما یا مجموعه نماهایی در مسیر خیابان یا میدان قرار می‌گیرد، از آن چه می‌بیند به دریافتی می‌رسد که با بلندی قامت او تناسب دارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۸) (تصویر شماره ۳). به عنوان مثال، ناظر در فاصله‌ای دو برابر نما با زاویه ۲۷ درجه نسبت به نما می‌تواند آن را کامل ببیند؛ به گونه‌ای که می‌توان به راحتی صورت اشخاص را تشخیص داد (توسلی، بنیادی و مومنی ۱۳۶۸).



تصویر شماره ۳: تناسبات فضای باز شهری، میدان امیرچخماق یزد (URL2)

به طور کلی در معماری ایرانی ابعاد کلیه فضاهای باز، حیاط و میدان و کوچه‌ها به گونه‌ای است که میدان دید بیننده متناسب با ارتفاع عناصری است که معمار می‌خواسته به ناظر نمایان کند. در کوچه‌ها و گذرها تناسبات، بیش‌تر پویایی مسیر را تشدید می‌کند و بدنه‌های خالی و عاری از تزیین‌ها نیز وسعت میدان دید را نمی‌طلبد. از طرفی عواملی نظیر سابط و تاق-تویزه نیز به این گذرهای تنگ و باریک و گاهی بلند، مقیاس انسانی می‌بخشند (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۶) (تصویر شماره ۴).



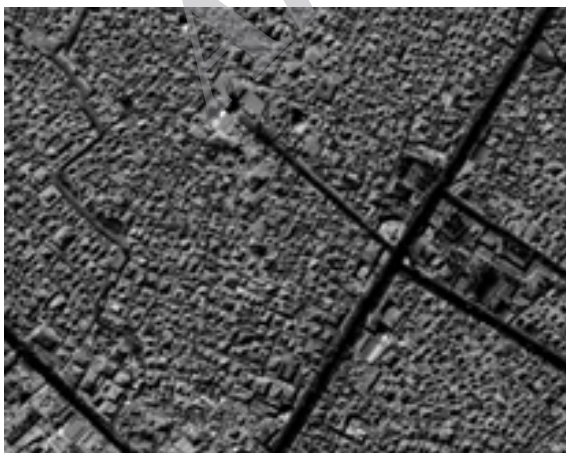
تصویر شماره ۴: کوچه‌های بافت قدیم شهر یزد، تناسبات ورودی‌ها و وجود تویزه‌ها به گذر مقیاس انسانی می‌دهد، مأخذ: احمدی، ۱۳۸۸: ۵۶

گرمای خورشید را در خود ذخیره می‌کنند و را در طول شب به محیط پس می‌دهند؛ زیرا مصالح خشت و گلی دارای ظرفیت حرارتی بالا و هم‌چنین خاصیت انباشت گرما و هدایت تدریجی آن هستند. بدین ترتیب، امکان استفاده از انرژی مطبوع خورشید حتی در شب‌های زمستان فراهم می‌شود. در تابستان جداره‌های مجاور حیاط با ضخامت زیاد مانع نفوذ گرما می‌شوند و آن را در روز به محیط پس می‌دهند (طاهباز، ۱۳۷۴: ۸۶).



تصویر شماره ۶: بافت متراکم بیرجند و خانه‌هایی با حیاط مرکزی هماهنگ با اقلیم کویری منطقه، مأخذ: GoogleEarth

فضاهای باز نظیر حیاط‌ها و گودال باغچه‌ها در این اقلیم به واقع مانند عنصری هوشمند در مقابل سرما، گرما، رطوبت و باد عمل می‌کنند. سایر فضاهای باز و خالی مانند مسیرهای ارتباطی کوچک‌ها و گذرها بسان شریان‌های تنفسی با نظم ارگانیک و غیرهندسی خود علاوه بر محفوظ نگه داشتن مسیر عبوری از بادهای مزاحم، با ایجاد سایه به لحاظ تناسب کشیده و باریک خود و با کمک‌گیری از عناصری مانند سبابت علاوه بر ایجاد توالی، ریتم و محصوریت سایه مطلوبی را به عابران هدیه می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۷). نمونه‌های جهت‌گیری اقلیمی معابر و فضاهای باز در بافت اکثر شهرهای مناطق گرم و گرم و مرطوب ایران مشاهده می‌شود (تصویر شماره ۷).



تصویر ۷: جهت‌گیری بافت و فضاهای باز به منظور تأمین سایه در اقلیم کویری، بافت تاریخی متراکم شهر یزد، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور

خانه‌های دارای حیاط مرکزی در مناطق کویری ایران به لحاظ رفتارهای اجتماعی و فرهنگی از بهترین نمونه‌های معماری پایدار این سرزمین محسوب می‌شوند. «روش زندگی در داخل خانه‌های حیاط مرکزی در گذشته بر دو اصل استوار بوده است؛ نخست تأمین امنیت برای فضاهای زندگی خانواده، زیرا با توجه به وضعیت اجتماعی در گذشته خانواده می‌بایست در مکانی امن و نیز دور از مزاحمت‌های اجتماعی و دور از اشراف همسایه‌ها بود، به همین دلیل در این گونه ساختمان‌ها حیاط مرکزی فقط فضای باز نورگیری یا تأمین‌کننده تابش خورشید نبوده بلکه فضای زندگی نیز به شمار می‌آمد و مکمل فضاهای بسته ساختمانی خانه بود» (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۸۴). «دومین اصل در روش زندگی در داخل خانه‌های حیاط مرکزی بر اساس کوچ کردن قرار داشته، به همین دلیل نظام استقرار فضاهای بسته در پیرامون حیاط بر اساس زمان استفاده از آن‌ها طی سال بوده است» (پیشین: ۱۸۵)

نقش فضای باز در حل مسائل اقلیمی

«از دیرباز، معماران سنتی کوشیده‌اند در کنار به‌کارگیری روش‌های غیرفعال جهت تأمین آسایش فضاهای داخلی، در محیط بیرونی نیز با افزایش سرمایه‌های طبیعی، ایجاد سایه و طراحی فضاهای نیمه باز، شرایط آسایش را به وجود آورند. وجود حوض آب در حیاط خانه‌های مناطق کویری، استفاده از پوشش درختی خزان‌پذیر، تعبیه ایوان‌ها و ایجاد گودال باغچه‌ها از جمله این روش‌ها هستند» (غفوری، یاسایی و کاملی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

فضاهای باز و خالی (به‌طور مثال حیاط مرکزی) در این معماری علاوه بر منفعت‌های زیست محیطی که در حین ساخت بنا ایجاد می‌کند، پس از احداث بنا عنصری مهم و تأثیرگذار در ایجاد معماری همساز با اقلیم با استفاده از انرژی‌های طبیعی نظیر خورشید، باد و ... و مصرف حداقل انرژی‌های فسیلی است (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۷).

مکان‌یابی و جهت‌گیری فضاهای باز همواره به گونه‌ای است که ساکنان در فصل گرم در برابر گرما حفظ شوند و در فصل سرد بیش‌ترین بهره را از انرژی لایزال خورشیدی ببرند. استفاده از حیاط‌های داخلی مشجر و معطوف نمودن فضاهای زندگی به این حیاط‌ها یکی از عمده‌ترین مشخصات معماری در مناطق گرم و خشک است. حیاط‌های داخلی دارای درخت، حوض و سطوح گیاه‌کاری شده یکی از مؤثرترین عوامل ایجاد رطوبت هستند که در مناطق خشک اهمیت فراوانی دارد. اتاق‌ها که فقط به این حیاط‌ها باز می‌شوند در برابر باد و طوفان شن حفاظت می‌شوند (کسمایی، ۱۳۶۳: ۸۹). حیاط‌های مرکزی با جهت‌گیری مناسب نسبت به گردش خورشید به شکل مستطیل کشیده نقش اساسی را در ایجاد معماری اقلیمی ایفا می‌کنند (تصویر شماره ۶). در زمستان، حوض آب در وسط این حیاط‌ها با ابعاد حداکثر انرژی خورشید را در خود ذخیره می‌کند (اسدپور، ۱۳۸۵: ۷۲).

جداره‌های خشت و گلی فضاها در مجاورت حیاط در طول روز

فضای باز و حس مکان

مکان‌یابی یکی از فرایندهای ادراکی است. به کمک مکان‌یابی دستگاه ادراکی می‌تواند جایگاه اشیا و محرک‌ها را در جهان سه‌بعدی تشخیص دهد. «انسان برای تحصیل پایگاه وجود باید بتواند خودش را جهت‌یابی کند. او می‌باید بداند کجاست و هم‌چنین می‌باید خود را با محیط این همان‌سازی کند. لینچ مفاهیم گره راه و محله را نشانگر ساختارهای فضایی پایه‌ای می‌داند که موضوع جهت‌یابی انسان‌اند که دریافت‌های متقابل این عوامل یک تصور محیطی می‌سازد. او بیان می‌دارد که یک تصور محیطی خوب به دارنده آن درکی مهم از امنیت احساسی می‌بخشد» (شولتز، ۱۳۸۸: ۳۴).

هر فرهنگی نظام‌هایی از جهت‌یابی را بسط داده است؛ یعنی ساختارهای فضایی که بسط تصور محیطی خوب را آسان می‌سازد؛ جایی که این نظام ضعیف است تصویرسازی مشکل می‌گردد و انسان احساس گم‌شدگی می‌کند که آشکارا مقابل احساس امنیت است (پیشین: ۳۵).

مکان‌های مختلف بیانگر مفاهیم و درک متفاوت برای افراد گوناگون‌اند. موضوع این است که ساختمان‌ها و اجزای شهر را به طریقی کنار هم قرار دهیم که آسان فهمیده شوند (تیبالدز، ۱۹۹۲: ۶۳). در معماری سنتی، ساختمان‌ها و اجزای شهری به طریقی کنار هم قرار گرفته‌اند که به آسانی فهمیده می‌شوند و لذا محیط‌های شهری مناسب و قابل درک پدید آورده‌اند.

در این معماری فضاهای باز حیاط، کوچه و میدان به گونه‌ای با فضاهای پر ترکیب شده‌اند که انسان درک درستی از مکان دارد و همواره پاسخ روشنی به سؤال کجایی دارد. فضاهای باز و خالی کوچک‌ها در این معماری به صورت معنادار و هدف‌دار سازمان‌دهی شده‌اند، به گونه‌ای که در مسیرهای دسترسی بدون نیاز به تابلو راهنما، فلش‌های هدایت‌کننده و تابلو اعلانات انسان بدون سردرگمی هدایت می‌شود. آن‌جا که معمار ایرانی خواسته انسان را به فضایی با اهمیت و خاص هدایت کند با استفاده از جهت‌گیری مناسب، تغییر تناسبات، هندسه، ریتم، تغییر مصالح، استفاده از نشانه‌های شهری و سلسله مراتب دسترسی و ... فرد را آماده و به نقطه دلخواه هدایت می‌کند، در نتیجه انسان در این معماری درک درستی از مکان و حتی زمان دارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۷).

نقش فضای باز در حفظ هویت فرهنگی

هویت فضا، برآیند هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی آن است. هویت فرهنگی آن بخش از فضا و ویژگی‌هایی اعم از ویژگی‌های کالبدی یا معنایی یا عملکردی را شامل می‌شود که مردم احساس «این همانی» با آن ویژگی‌ها و (در نتیجه با) آن فضا نموده و ضمن درک هویت فضا، آن را با هویت خویش هماهنگ و همراه یابند. هویت محیطی با موضوعاتی هم‌چون هماهنگی با محیط طبیعی، بهره‌گیری از مصالح بومی و عناصر طبیعی مشخص مرتبط است. این در حالی است که هویت معنایی، هم‌خاطره‌های جمعی و تاریخی تمدن یا ملتی را جلوه‌گر می‌نماید و هم این که فرم‌ها و اشکال آن یادآور معانی و مفاهیمی

هستند که توسط مردم تا حدی درک می‌شوند و بیگانگان یا آن را درک نمی‌کنند یا این که آن را با معانی مورد نظر خود متمایز می‌یابند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۷).

جامعه سنتی ایران درون نظامی معنوی می‌زیسته و معماری سنتی از آفریده‌های آن است. این معماری برآیند نظام اجتماعی و تجسم کالبدی فرهنگ حاکم بر آن جامعه است. در جامعه سنتی ایرانی به ویژه مناطق کویری زندگی خانوادگی به صورت دسته جمعی و حول حیاط باز مرکزی بوده و همبستگی افراد به یکدیگر بناهایی را پدید آورده که زندگی چند خانوار را در خانه ممکن ساخته است و حتی در مقیاس شهری گاهی یک محله و با یک کوچه به یک خانواده و قوم خاص اختصاص داشته است؛ مانند محله عرب‌ها، دربند گرجی‌ها، قزاق محله.

این معماری، هماهنگ با اعتقادات مذهبی و اخلاقی مردم جامعه است. اصولاً در سامان‌دهی اندام‌های گوناگون ساختمان و به ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرکت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است (پیرنیا، ۱۳۸۴).

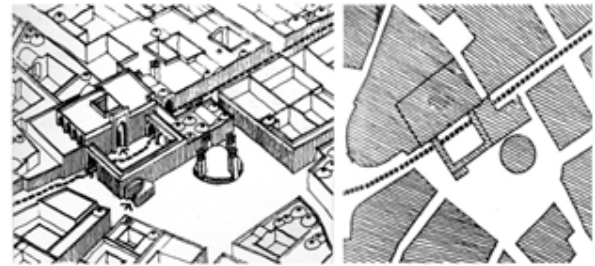
در این معماری سازمان‌دهی فضاهای باز، بسته و نحوه دسترسی و ورود به فضاها به گونه‌ای است که ورود به خانه به عنوان حریم خصوصی و مکان مقدس با حرمت خاص همواره با سلسله مراتب و فیلترهایی نظیر هشتی، ورودی، دالان و ایجاد چرخش در مسیر ورود شکل گرفته است (تصویر شماره ۸). حیاط مرکزی خانه‌ها اغلب دارای دو حیاط اندرونی و حیاط بیرونی است که حیاط اندرونی در عرصه خصوصی و حیاط بیرونی در ارتباط با عرصه عمومی عمل می‌کند. در مقیاس شهری نیز شکل‌گیری فضاهای باز و سلسله مراتب دسترسی از فضاهای عمومی میدان به خیابان، کوچه یا دربند و در نهایت خانه بیانگر عرصه‌بندی حریم خصوصی و عمومی است. دربندها به عنوان نوعی گذر و کوچه خصوصی، فامیلی و خانوادگی در مسیرهای دسترسی نمونه روشنی از این مثال هستند. دربندها گواه روشنی از توجه به سلسله مراتب دسترسی حتی در مقیاس فضاهای باز و نیم‌باز شهری هستند.



تصویر شماره ۸: پلان همکف خانه بروجردی‌ها و موقعیت ورودی، هشتی، دالان و در کل حریم خصوصی و تفکیک آن از فضای عمومی، (URL4)

در شهرسازی سنتی، سازمان‌دهی فضاهای عمومی نظیر بازار، مسجد، حسینیه، آب انبار و مدرسه همواره اطراف فضای باز و عمومی میدان‌ها و یا میدانچه‌ها بوده و مکان‌یابی فضاهای عمومی شهری و فضاهای خصوصی در جهت حفظ هویت فرهنگی جامعه و با احترام به عقاید دینی شکل گرفته است. مرکز محله یعقوبی

یزد یکی از هزاران نمونه است که ترکیب پر و خالی آن و هم‌چنین عناصر عمومی شهر نظیر میدانچه، حسینیه، مسجد، بازارچه، آب انبار، حمام در آن نمایان است. محصور بودن فضای شهری، و تفکیک عرصه عمومی و خصوصی و توجه به مقیاس انسانی احساس امنیت و رضایت را ایجاد کرده است. غنا، نظم ارگانیک و کیفیت فضایی در مجموعه قابل تحسین است (تصویر شماره ۹).



تصویر شماره ۹: تعریف فضای باز در بافت شهری، محله یعقوبی یزد، مأخذ: احمدی، ۱۳۸۸

جمع‌بندی احکام اولیه در خصوص فضای باز

چنان که ذکر شد، در معماری سنتی ایران فضای باز عنصری از پیش تصور شده و در بسیاری موارد ایده اصلی طراحی بوده است. فضاهای باز که همان فضاهای ساخته نشده مابین فضاهاست حلقه‌ای گم شده در معماری امروز هستند، در حالی که در گذشته نقش اصلی را در معماری و شهرسازی بازی می‌کرده‌اند. لذا شناخت و آگاهی نسبت به این مهم می‌تواند راه کارها و الگوهای را در جهت بهبود و رفع بحران‌های معاصر معماری و شهرسازی ارائه دهد؛ در زیر برخی از موارد مهم اشاره می‌گردد:

- * نگرانی در مورد تک بناها به صورت منفرد نابه‌جاست و نمی‌تواند راه‌گشا باشد، لذا طراحی باید کل مکان، پر و خالی را توأمان در نظر بگیرد.
- * طراحی فضای باز و بسته باید در خانه‌ها و شهرهای امروز مورد بازنگری قرار گیرد و این مقوله هم طراحی شهری و هم طراحی منظر و هم در مقیاس خرد طراحی مسکن را در بر می‌گیرد.
- * آنچه از روزگاران کهن و به طور سنتی در هنر ساخت بناها مرسوم بوده، تنها توجه به خود بناها نبوده، بلکه به فضاهای باز نیز پرداخته شده است. این امر باید هنوز در نظر باشد.
- * محیط‌های سنتی بر فضای بین ساختمان‌ها تأکید دارند و معمولاً حاصل آن‌ها یک کل جذاب و ارگانیک همراه با تنوع مفیدی از مناطق مناسب و با مقیاس انسانی است. توجه به این امر مهم می‌تواند شهرسازی معاصر را از زوال، ویرانی و بی‌هویتی نجات بخشد.
- * طرح‌های ساختمانی جدید به عنوان فضای پر، باید ارتباط روشن و مثبتی با تیپولوژی معماری بومی داشته باشند، آن‌ها باید به عنوان جزئی از کل، در تعامل با طبیعت، فضای باز و همساز با آن طراحی شوند.
- * در طراحی فضای میادین و خیابان‌ها باید خلق فضاهای

انسان‌محور و مقیاس انسانی مدنظر باشد. فضای باز تبلور جمعی ساکنان و مکانی برای تعاملات انسانی است و باید پاسخگوی نیاز زندگی اجتماعی و جمعی آن‌ها باشد.

* معماران امروز باید به درک روشنی از فضاهای باز و خالی برسند و آن‌ها را در کنار و هم‌ارزش با فضاهای بسته ببندارند، به نحوی که مکان‌یابی و طراحی حیاط خانه را در اولویتی هم‌ارزش با طراحی فضای بسته خانه قرار دهند.

* در فرایند طراحی معماری، طراحی فضای باز و بسته در پلان و حجم کلی ساختمان باید با توجه به ملاحظات اقلیمی، فرهنگی و عملکردی صورت گیرد. بی‌شک مقررات یکسان و مشابه در تعیین محله‌های قرارگیری فضای باز حیاط که در معماری امروز مبنای تعیین مکان‌یابی و حتی مساحت حیاط است، ما را به نقطه روشنی نمی‌برد.

جایگاه فضا در مسکن ایرانی

فضا یکی از صریح‌ترین نمادهای وجود است. ازلی، نافذ، و در جهان‌شناسی اسلامی (مکان) روح جهانی است. (اردلان و بختیاری، ۱۳۹۰: ۴۱) فضا به عنوان ماده جوهری معماری و هویت عملکرد آن مطرح است. تعریف فضا در معماری ایران بر اساس میزان پوشیدگی آن صورت گرفته است. بی‌شک میزان پوشیدگی یا درجه محصوریت به چگونگی حضور سقف، کف و دیوارها مربوط می‌شود. بر این اساس، در تمامی بناها و شهرهای ایرانی پیش از اسلام و عصر اسلامی سه گونه فضا در اشکال و ابعاد مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت. در یک دید کلی این سه نوع فضا شامل فضاهای باز، فضاهای نیمه باز (پوشیده) و فضاهای بسته است که همواره با هم شکل می‌گرفتند و به صورت توأمان نزد اقوام ایرانی مطرح بودند. الگوی نوعی اتاق، ایوان، حیاط به ترتیب مصادیق فضاهای بسته، نیمه باز و باز هستند. (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۳) در معماری ایران «هر جزء فضا امکان ترکیب با یک یا چند جزء فضای دیگر را برآورد می‌شدن به یک فضای توانا تر داراست. فضاهای بسته، پوشیده یا باز در کنار هم و در ترکیب با هم بسط فضایی یکدیگر محسوب می‌شوند.» (حائری، ۱۳۸۸: ۱۴۲) در میان این سه فضا، فضای باز در فرهنگ ایرانی - اسلامی، و به تبع آن در معماری سنتی ایران، جایگاه ویژه‌ای داشته و در عناصر مختلفی نمود یافته است. باغ، حیاط (حیاط مرکزی، حیاط اندرونی، حیاط بیرونی)، حیاط نارنجستان، گودال باغچه، سرابستان، پاستو، مهتابی یا بهار خواب و حتی بام، برخی از این نموده‌ها هستند. در معماری سنتی ایران، فضای باز به عنوان مکمل فضای زندگی در بخش سرپوشیده محسوب می‌شد و هماهنگی خاصی را در فضا پدید می‌آورد. به علاوه، حضور فضای باز در مسکن، عرصه دیگری را نیز می‌طلبد تا رابطه بین فضای باز و بسته را بهبود بخشد. بنابراین فضاهای نیمه باز نیز به عنوان یکی از عناصر اصلی مسکن سنتی ایران مطرح شدند. احداث ایوان در خانه‌های ایرانی در گذشته از ملزومات هر خانه‌ای محسوب می‌شد. طارمه، سرداب و حوضخانه نیز برخی دیگر از فضاهای نیمه باز هستند.

در این دوره، رعایت کیفیت و توجه به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی با توجه به آب و هوا و مصالح ساختمانی - که از اصول معماری ایران است - مورد توجه معماران بود.

با گذشت زمان و حضور بیش تر معماران اروپایی در ایران و افزایش تسلط فکری غرب گرایانه بر معماری کشور و فاصله گرفتن از معماری سنتی، کار بدان جا کشید که تخریب بناهای گذشته و توسعه شهری عملی پسندیده و تجددگرایانه تلقی شد؛ به طوری که در اواخر این دوره ساختمان هایی کاملاً به ظاهر فرنگی ساخته شد که هیچ گونه نمادی از معماری سنتی ایران در آن دیده نمی شود، ولی این تأثیر در بناهای بزرگ و کاخ ها بیش تر نمود داشت و معماری غربی هنوز به بناهای مسکونی راه پیدا نکرده بود. بنابراین الگوهای غالب معماری مسکونی در این دوره هنوز طبق روال گذشته با توجه به بوم و شرایط فرهنگی و اقلیمی شکل می گرفت و از تنوع بی نظیری برخوردار بود (پیشین: ۶۳).

در این دوره همچنان «نفوذ دین در اعتقادات و باورهای مردم بسیار عمیق بوده و در معماری دوره صفویه و قاجاریه نیز اعتقادات دینی تأثیر بسیاری داشته است. این رویه در بیش تر موارد سبب معماری هم خوان با اقلیم نیز شده که حیاط محصور شده از عمده ترین نشانه های این همخوانی است. این فضا بستری از آرامش را برای خانواده با توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگی ایجاد می نمود.» (مهدوی نژاد، منصورپور و هادیان پور، ۱۳۹۳: ۳۹) اقلیم، یکی از تأثیرگذارترین عوامل در میزان و نوع پر و خالی مسکن بوده است. شرایط سخت آب و هوایی در مناطق سرد و مناطق گرم و خشک کویری کشور، گونه شناسی درون گرا را به عنوان غالب ترین گونه شکل داده است (تصویر شماره ۱۰). در حالی که در اقلیم معتدل و مرطوب، گونه شناسی برون گرا و در اقلیم گرم و مرطوب، گونه نیمه درون گرا مشاهده می شود. نسبت سطح پر و خالی نیز تحت تأثیر همین عامل در اقلیم های مختلف متفاوت است (هرچند در مورد آن نمی توان به صورت کاملاً قطعی نظر داد)؛ به عنوان مثال، در اقلیم سرد، به منظور کاهش تبادل حرارتی با محیط خارج، معمولاً حیاطها کوچک و در اقلیم گرم و خشک حیاطهای مرکزی بزرگ تر از اقلیم سرد ساخته می شد. به هر حال می توان گفت در هر دو اقلیم سرد و گرم و خشک معمولاً فضای بسته نسبت به فضای باز از نظر وسعت و بالعکس در اقلیم معتدل به دلیل رطوبت زیاد نسبت فضای باز به بسته غالب بوده است (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۴).



تصویر شماره ۱۰: نقشه وضعیت موجود موجود الگوی پر و خالی خانه های وثوق الدوله و گلشن یزد (دوره قاجار)، مأخذ: رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰

حیاط به عنوان فضای باز در مسکن، در فرهنگ دهخدا به معنی محوطه و هر جای دیواربست و سرای و خانه آمده است. واژه های دیگری مثل ساخت، صحن، میان سرا، صحن سرای نیز به همین معنی هستند. در مسکن سنتی ایرانی، حیاط به عنوان قلب تپنده فضای مسکونی، شاخص ترین و دوست داشتنی ترین بخش خانه به شمار می رفت. تجمع افراد خانواده، برگزاری مراسم مختلف، خواب شبانه افراد به ویژه در مناطق کویری، انجام فعالیت های روزانه زنان، بازی کودکان، صرف غذا و دیگر کارها برخی از کارکردهای فضاهای باز و نیمه باز در زندگی سنتی بوده است. حتی برخی از خانه های سنتی که مالکان آنها متمولان جامعه بودند، به جای یک حیاط دارای دو یا چند حیاط اندرونی و بیرونی بودند. خانه طباطبایی ها و خانه عامری ها در کاشان نمونه هایی از این خانه ها هستند. (رحمانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳) «در دوره های گذشته، حیاط به عنوان انعطاف پذیرترین جزو معماری پاسخ گرا کارکرد ویژه ای در ساختمان ایفا می کرد که توجه به موضوع های فرهنگی و اجتماعی، اقلیمی و محیطی و کالبدی از مهم ترین نقش های حیاط محسوب می شدند.» (مهدوی نژاد، منصورپور و هادیان پور، ۱۳۹۳: ۴۳) برخی از کارکردهای مهم حیاط در مسکن ایرانی به شرح زیر است: (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۳)

۱. ایجاد حریمت و حفاظت از زنان،
 ۲. کارکرد اقلیمی و ایجاد یک خرد اقلیم مناسب،
 ۳. ایجاد منظر و چشم انداز طبیعی بدون حذف حریمت،
 ۴. ارتباط بصری و فیزیکی داخل و خارج و در نتیجه تقویت اصل شفافیت و سیالیت،
 ۵. حضور طبیعت در خانه،
 ۶. عرصه زندگی خانوادگی و ایجاد حریمی امن و آرام برای آسایش خانواده،
 ۷. کاهش آلودگی صوتی،
 ۸. وحدت دهنده و سازمان دهنده فضاهای مختلف داخل خانه.
- نفوذپذیری بالای بصری و حرکتی، گوناگونی و تنوع، تناسبات بصری، غنای حسی و رنگ تعلق از کیفیات فضایی این عنصر مهم تلقی می شود. می توان گفت حیاط مرکزی در معماری گذشته تمامی معیارهای محیط کارآمد و پاسخده را داشته است. حذف این عرصه از داخل واحد مسکونی، منجر به کاهش کیفیت فضایی مسکن می شود و پیامدهای منفی زیادی را در زمینه سلامت جسمی و آرامش روحی و روانی افراد و رشد و پرورش کودکان و در نتیجه آثار سوء اجتماعی به همراه دارد. افزایش مصرف انرژی نیز به دلیل حذف کارکرد اقلیمی فضای باز و استفاده تمام وقت از فضاهای بسته از دیگر تبعات این موضوع است که منجر به آثار سوء اقتصادی می گردد.

الگوی پر و خالی مسکن در دوره قاجار

در دوره قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۵ هجری شمسی) تحولات اجتماعی متعددی در جامعه ایرانی صورت گرفت که زمینه های تضعیف هنرهای بومی و گسترش هنرها و اندیشه های غربی را بیش از پیش فراهم آورد. تأثیراتی که در دوره قاجار از معماری اروپا و غرب گرفته شد، بیش تر در فرم معماری و عناصر تزئینی است و کماکان

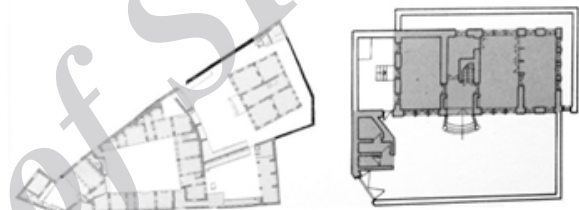
عنصر مثبتی است که به مدد هندسه و ریاضیات سلسله‌ای از احجام منفی پیرامون خود ایجاد می‌شود)، با الگوی «حیات مرکزی»، جای خود را به معماری برون‌گرای غربی (که در آن، شیء عینی عنصر مثبت است و نه فضا) با تیپ «خیابان‌نشین» داد. در این معماری، حیاط تنها برای ایجاد منظر سبز، ورود نور و هوای مناسب به درون خانه استفاده می‌شود و دیگر فضای باز با فضاهای داخلی تعاملی ندارند. (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۴) «در این دوره چنانچه ظاهر بناها، بعضاً توانست عناصر گذشته معماری را به خود بگیرد ولی داخل بناها نتوانست روابط فضایی پیشین را در خود جای دهد. در این میان پله‌ها و راهروها از اهمیتی بالا در تنظیم روابط و عملکرد فضاهای داخلی برخوردار شدند و عناصر دیگر نظیر آب، آب‌نما، باغچه و گیاه به بیرون ساختمان کشانده شدند. ... [این پدیده] باعث گردید کارکرد بناهای سنتی را که با قرارگیری یک حیاط مرکزی در وسط به شکل شعاعی عمل می‌کرد به پلاتی تبدیل نماید که فعالیت‌هایش توسط راهروها و به شکل خطی صورت بگیرد.» (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۳۶)

اگر معماری معاصر ایران در دوره قاجاریه نخستین تغییرات را در عناصر تزئینی به خود گرفت و گام‌های این تأثیرپذیری را به آرامی و با تلفیقی متناسب برداشت، این تغییر کم‌ترین تأثیر را در پلان و نقشه معماری آن داشت. اما در دوره پهلوی شدیدترین تغییرات در حوزه پلان بنا صورت گرفت. در این دوره، پلان‌ها عیناً و بدون تطبیق محلی و فرهنگی وارد حوزه معماری ایران گردید و رشد این پدیده بیش‌تر در حوزه آموزشی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها و شهربانی صورت پذیرفت.

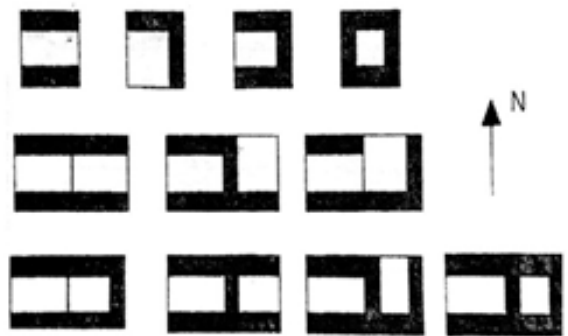
از بارزترین ویژگی‌های معماری این دوره، برون‌گرایی در پلان‌هاست. این ویژگی بر دیگر عناصر معماری ایران و پیدایش مواردی جدید در حوزه معماری و شهرسازی نظیر خیابان‌ها، کوچه‌ها، پنجره‌ها، نماها و به عبارتی فضاهای تازه و نوین تأثیر گذاشت. (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۴) «این نهضت نمایشی علاوه بر اینکه فضاهای بیرونی را فعال‌تر، زنده‌تر، شلوغ‌تر و متنوع‌تر ساخت به سرعت در بافت شهری و حوزه مسکونی نیز وارد شد.» (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۳۵)

«غرب‌گرایی بر ساختمان‌سازی‌ها به خصوص بناهای مسکونی، اثر مستقیم گذارد تا جایی که اصل طراحی و محرمیت‌های فضاهای بیرونی و اندرونی، طرح‌های ترکی‌سازی، ورکرسی و طرح‌های اتاق‌سازی در اطراف حیاط دست‌خوش فراموشی و جایگزین آن ملاک‌های غرب‌پسندانانه شد.» (زمرشیدی، ۱۳۹۰: ۶) ظهور پدیده برون‌گرایی در مقابل مهم‌ترین صفت معماری گذشته یعنی درون‌گرایی، اصلی‌ترین عامل محتوایی بود که باعث تغییرات شکلی در معماری این دوره گردید. احداث خیابان و خیابان‌کشی به شیوه اروپایی قرن نوزدهم در مقیاس وسیع، و ظهور پدیده معماری خیابانی، شکل‌گیری بالکن و پدیده بالکن‌سازی در نمای خیابان‌ها و چرخش جهت پنجره‌ها از درون به بیرون همگی تأییدی بر این موضوع هستند. احداث خیابان‌های سراسری و شبکه شطرنجی،

معماری پیش‌مدرن ایران را می‌توان ترکیبی از چندین مؤلفه چون اعتقادات و باورها، توجه به اقلیم و معناگرایی دانست. این خصلت چند بعدی بودن معماری سنتی آن را از معماری غیر سنتی (مدرن) متمایز و گاه برتر می‌نماید. در تصویر شماره ۱۱ پلان‌هایی از معماری شمال کشور (گرگان و بابل) در دوره قاجار مشاهده می‌شود که معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند. همان‌طور که در این نمونه‌ها دیده می‌شود، حیاط، قلب خانه و کانون فضایی آن است. حتی در گونه‌های برون‌گرای گرگان و آمل نیز مرکزیت اجتماعی و کالبدی حیاط وجود دارد. تصویر شماره ۱۲ نمونه‌های موجود از الگوی پر و خالی در خانه‌های یزد را نشان می‌دهد. در هر یک از این الگوها که با شرایط اقلیمی و فرهنگی یزد انطباق دارد، درون‌گرایی حیاط و محرمیت و مرکزیت آن کاملاً مشخص است. (پیشین: ۶۴). «لازم به ذکر است در نمونه‌های برون‌گرا هم با ساخت دیوارهای پیرامون فضای باز عملاً حریم در آن‌ها رعایت شده است.» (قاسمی سیجانی و معماریان، ۱۳۸۹: ۸۹)



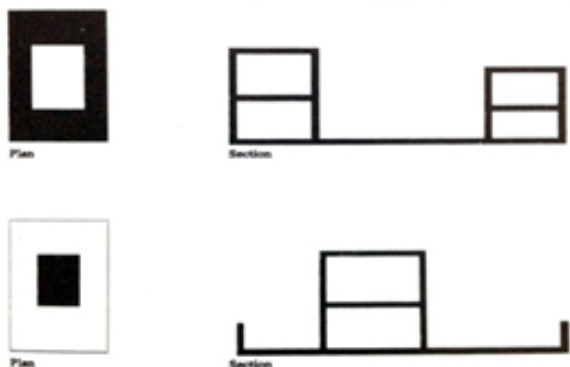
تصویر شماره ۱۱: نقشه وضعیت موجود الگوی پر و خالی خانه نجفی بابل و خانه تقوی گرگان (دوره قاجار)، مأخذ: رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰



تصویر شماره ۱۲: نقشه وضعیت موجود الگوی پر و خالی خانه‌های یزد (دوره قاجار)، مأخذ: رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰

الگوی پر و خالی مسکن در دوره پهلوی

با آغاز دوره پهلوی (۱۲۵۷-۱۲۹۹ هجری شمسی) کم‌کم سبک معماری غربی به بناهای مسکونی راه پیدا کرد. از طرفی با تأسیس اولین واحد آموزش آکادمیک معماری در ایران، «دانشکده هنرهای زیبای تهران» توسط آندره گدار اروپایی به تقلید از دانشگاه بوزار فرانسه، و قرار دادن سرفصل دروس آموزشی معماری اروپا بر پایه معماری کهن یونان و روم و فن‌آوری جدید اروپایی، با حضور استادان غیرایرانی، معماری ایران از هویت خود فاصله گرفت. در بناهای مسکونی نیز معماری درون‌گرای ایرانی (که در آن فضا

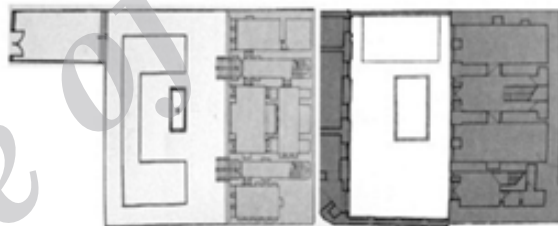


تصویر شماره ۱۴: الگوی پر و خالی مسکن ایرانی در دوره قاجار، حیاط مرکزی و کوشک درون باغی، مأخذ: رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰

شکل‌گیری و حضور این پدیده کهن (الگوی حیاط مرکزی) در معماری ایران قاطعانه تا پایان دوره قاجار ادامه داشت. (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۳۴) در این الگو، حیاط به عنوان قلب تپنده خانه مسکونی است و هیچ‌گاه نمی‌توان نقش آن را در جریان زندگی خانوادگی نادیده گرفت. (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۶) در دوره پهلوی، تغییرات متأثر از نفوذ مدرنیسم شرایط نسبتاً مطلوب بناهای تا دوره قاجار را دگرگون نمود. این تحولات بعضاً مورد انتقاد معماران و صاحب‌نظران قرار گرفت؛ ایرج مشیری در مجله آرشیوتکت می‌نویسد: «خانه‌های جدید به طور کلی معایب و نقایص خانه‌های قدیم را مرتفع ننموده و بلکه دردهایی نیز به دردهای سابق افزوده است. اصولاً صدی ۹۵ خانه‌های فعلی ما فاقد راحتی، بهداشت، زیبایی و استحکام می‌باشد. باید با کمال تأسف اذعان کرد که خانه‌های قدیم آبا و اجدادی از خیلی جهت به منازل جدید امروزی برتری دارند» (مشیری، ۱۳۲۶). «پدیده برون‌گرایی نخست در اندیشه‌ها شکل گرفت و متعاقب آن و بنا به نیازهای خواسته یا ناخواسته و در نهایت با پذیرش آن به معماری و ایجاد بناهای شهری نوین سرایت نمود» (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). در این دوره، اگر چه الگوی غالب پر و خالی مسکن ایرانی از درون‌گرا به برون‌گرا تبدیل شد، و ارزش معنوی حیاط، امنیت، حرمت، تقدس و بار معنایی و کارکرد اقلیمی آن کاملاً از دست رفت، در عین حال هنوز کارکرد فیزیکی حیاط کم و بیش به صورت تضعیف شده‌ای وجود داشت و ارتباط ساکنان با آن حفظ می‌شد. زیرا اکثر ساختمان‌های محله‌ها، یک یا دو طبقه بودند و بنابراین می‌توان گفت که تقریباً اشرافی به داخل این حیاط‌های برون‌گرا از سمت همسایگان وجود نداشت. در این دوره، مفهوم حیاط به معنای معاصر آن - یعنی فضای بازی که در حد فاصل بنا و شارع قرار می‌گیرد - تبدیل شد. ارتباط فضاهای داخلی با حیاط (ارتباط فیزیکی و بصری) که در دوره قاجار از چهار جبهه میسر بود، در این دوره تنها از یک جبهه و یا گاهی از دو جبهه شمالی و جنوبی میسر گردید (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۶) (تصویر شماره ۱۵).

بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی کرد و قطعات مالکیتی منظم و مستطیل شکل به وجود آورد. با این تغییرات، به دوران معماری درون‌گرا با حیاط مرکزی پایان داده شد و معماران به الگوی تک بناهای جدید روی آوردند. در این الگو، فضای باز ساختمان در قسمت جنوبی در حد فاصل بین بنا با معبر یا بنا با ملک مجاور قرار گرفت.

در اواخر دوره پهلوی، با پیشرفت فن‌آوری ساخت و امکان استفاده از فلز و شیشه در ساختمان‌سازی، حداقل چهره‌سازی‌های معماری ایرانی نیز از بین رفت و بر آشکوب‌نشینی در ساختمان‌های چند طبقه، به تقلید از غرب، تبلیغات بسیار شد. پس از تدوین و تصویب قانون تملک آپارتمان‌ها در سال ۱۳۴۳ نخستین مجموعه بلندمرتبه‌سازی در تهران مجموعه بهجت‌آباد بود که در سال‌های ۴۹-۱۳۴۳ ساخته شد. حدود ۸۰ درصد از ساختمان‌های بلندمرتبه در سال‌های پیش از انقلاب را مؤسسه‌ها و افراد خارجی ساختند یا در ساخت آن‌ها دخالت داشتند. می‌توان گفت معماری ایرانی در این دوره تحت تأثیر معماری مدرن به جای «تغییر»، «تعویض» شد و این آغاز شکافی بود که تا به امروز معماری ایران را به چالش کشیده است (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۵).



تصویر شماره ۱۳: نقشه بررسی الگوی پر و خالی مسکن، خانه احمدزاده (دوره پهلوی)، مأخذ: رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰

تحلیل و جمع‌بندی سیر تحوّل الگوی پر و خالی در مسکن معاصر ایرانی تا زمان حاضر

معماری معاصر ایران در دوره قاجار نخستین تغییرات را در عناصر تزئینی به خود گرفت و گام این تأثیرپذیری را به آرامی و با تلفیقی مناسب برداشت. این تغییر کم‌ترین تأثیر را در پلان و نقشه معماری آن داشت. بنابراین الگوی غالب معماری مسکونی این دوره، هنوز طبق روال گذشته درون‌گرا و با رعایت نکات فرهنگی و اقلیمی در جامعه شکل می‌گیرد. در بعضی موارد، خانه‌هایی که در اقلیم مرطوب ساخته می‌شدند و یا برخی کوشک‌های درون باغی دوره قاجار با الگوی برون‌گرا ساخته شدند که در آن نیز جایگاه ارزشی فضای باز و تعامل صد در صد آن با فضای بسته کاملاً وجود دارد. حیاط در این دوره کارکردهای متعددی نظیر کارکرد اقلیمی، کارکرد جنسیتی، کارکرد اجتماعی و کالبدی داشت. به هر حال در هر دو الگوی درون‌گرا و برون‌گرا که در دوره قاجار دیده می‌شود خانه مسکونی از چهار جبهه با حیاط مرکزی یا باغ در ارتباط فیزیکی و بصری قرار می‌گیرد (پیشین: ۶۶) (تصویر شماره ۱۴).

شهرهای قدیمی، از بین رفتن مقیاس معماری ایرانی در فضایی نوین، از بین رفتن نظم سنتی ساخت و ساز سنتی، عدم توجه به مسائل اقلیمی مناطق و عدم هماهنگی ساخت و سازها با مسائل اقلیمی مناطق و ... را می‌توان برشمرد. معماری سنتی به دلیل برخورداری از پشتوانه فرهنگی و اعتقادی از اصول فلسفی نیز برخوردار بود و توجه به مضامین فلسفی و زیبایی شناختی، فضای مادی و معنوی ماندگار را به گونه‌ای فراهم می‌کرد که در آن فرد از خلوص، صمیمیت، تعادل و آرامش برخوردار می‌گردید. در ساختمان‌سازی عصر حاضر ایران جای خالی هویت فرهنگی در معماری مشهود است» (نصر، ۱۳۸۶: ۳۸).

بر اساس آن چه بیان شد، می‌توان مهم‌ترین نتایج حاصل از این فرایند و تغییر و تحولات را به شرح زیر برشمرد (رحمانی، نورایی و شکر فروش، ۱۳۹۰: ۶۷):

۱- تحول الگوی پر و خالی در دوره معاصر ایران به دلایل متعددی سیر قهقهرایی داشته است. افزایش جمعیت شهرها، افزایش نیاز به مسکن، گذار از زندگی سنتی به زندگی مدرن، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، سودگری‌ها و سودجویی‌های اقتصادی، افزایش قیمت زمین و غیره دلایلی هستند که به این سیر، سرعت بخشیدند. از بین رفتن حجاب و حریمت و افزایش اشراف در حیاط، از بین رفتن درون‌گرایی، اختصاصی نبودن و مشاع شدن حیاط در آپارتمان‌های امروزی، ارتباط به شدت تضعیف شده بین فضاهای بسته با حیاط و از دست رفتن کارکردهای فیزیکی و کارکردهای اقلیمی حیاط از جمله تغییراتی است که در حیاط‌های آپارتمان‌های مسکونی امروزی نسبت به گذشته اتفاق افتاده است.

۲- ارتباط واحدهای مسکونی با حیاط (ارتباط فیزیکی و بصری) که در دوره قاجار اکثراً از چهار جبهه و دوره پهلوی از یک یا دو جبهه میسر بود، در دوره بعد از انقلاب اسلامی به واسطه برون‌گرایی در بعد سوم (آپارتمان‌نشینی) کاملاً قطع شده است. در آپارتمان‌های مسکونی امروز، تقریباً هیچ واحد مسکونی دیده نمی‌شود که دارای حیاط اختصاصی باشد. تنها یک حیاط مشاع در طبقه همکف این آپارتمان‌ها وجود دارد که از داخل فضای خدماتی پارکینگ (پیلوت و یا زیرزمین) دسترسی به آن وجود دارد، نه از فضاهای با ارزش زیستی.

۳- نوع ارتباط پر و خالی که در دوره قاجار هنوز وابسته به بوم و اقلیم و در هر منطقه اقلیمی متفاوت و تابع الگوی خاص و منحصر به فرد بود، به تدریج جای خود را به یک گونه‌شناسی واحد داد. به طوری که در آپارتمان‌های امروزی در تمام شهرهای ایران نوعی الگوی برون‌گرا دیده می‌شود که هیچ تأثیری از اقلیم نپذیرفته است. این موضوع منجر به نوعی همسان‌سازی و یا مشابه‌سازی و در حقیقت حذف الگوی پایدار بومی در زمینه مسکن کل کشور شده است. به همین جهت در هیچ یک از مناطق ایران امروزه فضای باز مسکونی تعریف شده نیست.

۴- شاید بتوان گفت که حیاط هنوز در مسکن معاصر ایرانی



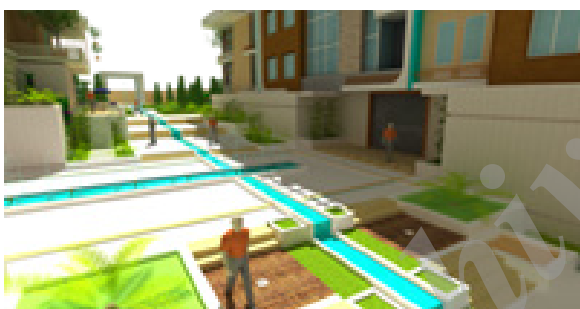
تصویر شماره ۱۵: الگوی پر و خالی مسکن ایرانی در دوره پهلوی، مأخذ: مدبری دوم، ۱۳۹۲

پس از انقلاب اسلامی، ابعاد و اندازه حیاط‌ها به واسطه ضعیف شدن کارکرد آن، ضوابط محدود ساخت و ساز در شهرداری، افزایش جمعیت ساکن در شهرها، گران شدن قیمت زمین و گاه به دلیل تخلف مالین از مقدار مجاز سطح اشغال، نسبت به ابعاد حیاط دوره پهلوی و قاجار کاهش یافته است. اگر در گذشته یک حیاط برای یک خانواده استفاده می‌شد، امروز شاهد آنیم که در همان قطعه مالکیتی، حیاطی کوچک‌تر برای چند واحد مسکونی که در یک آپارتمان زندگی می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشاع بودن فضای حیاط در این خانه‌ها، و دید و اشرافی که از سمت آپارتمان‌های روبه رو به داخل آن‌ها وجود دارد، عملاً حریمت و حجاب را در آن‌ها از بین برده است. در این گونه حیاط‌ها، کارکردهای فیزیکی و متافیزیکی حیاط همگی از بین رفته است. حیاط‌های خانه‌های شمالی شاید تنها دارای یک معبر و محل آمد و شد هستند و حیاط‌های خانه‌های جنوبی حتی همین کارکرد ارتباطی را نیز ندارند. کارکرد حیاط در خانه‌های آپارتمانی امروز به قدری ضعیف شده است که حتی اگر حیاط از داخل این آپارتمان‌ها حذف شود، تحول خاصی رخ نمی‌دهد؛ کما این که برخی از آپارتمان‌های امروز با سطح اشغال ۱۰۰ درصد نیز ساخته می‌شوند و تمام اوقات زندگی خانواده مدرن ایرانی در فضای بسته سپری می‌شود. در مسکن معاصر ایرانی طبیعت جایی ندارد و شاید تنها چند گلدان مصنوعی درون فضاهای مسکونی نمادهای باقی‌مانده فضای باز در درون این خانه‌ها باشد. می‌توان به جرأت گفت که ارتباط واحدهای مسکونی با حیاط (ارتباط فیزیکی و بصری) که در دوره قاجار از چهار جبهه، و در دوره پهلوی از یک یا دو جبهه میسر بود در دوره بعد از انقلاب اسلامی به واسطه برون‌گرایی در بعد سوم کاملاً قطع شده است. قطع این رابطه می‌تواند تبعات ناخوشایندی را در ساختار زندگی و آرامش روحی و روانی افراد و رشد کودکان باعث شود (پیشین: ۶۷). تحولات در معماری مسکن دوره معاصر با وجود دستاوردهای مفید و چشمگیر، خساراتی نیز داشته است. «خساراتی چون از دست دادن شیوه زندگی سنتی ایران، نابودی محلات مسکونی در



تصویر شماره ۱۶: تعریف فضاهای خاص در فضای باز، پروژه مسکونی در حال ساخت در مشهد، مأخذ: مدیری دوم، ۱۳۹۲

۲. با حصر فضایی، امکان تعریف ورودی‌های اصلی و فرعی مجموعه‌ها میسر می‌شود. از این رو، امکان تعریف محور اصلی فضایی و در امتداد آن، هسته یا کانون اصلی فضا نیز میسر می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت عنصر آب در معماری ایرانی، خانه‌ها و باغ‌ها، ارجح آن باشد که از آب به عنوان عنصر مرکزی در قالب ایجاد حوض مرکزی بهره گرفته، منطبق با سلسله مراتب تقسیمات درونی مجموعه، توالی منظمی از حوضچه‌ها به عنوان کانون‌های فرعی فضا را طراحی نمود و از جوی‌ها و مسیرهای انتقال آب به عنوان مفصل ارتباطی میان حوض‌ها و حوضچه‌ها استفاده کرد (تصویر شماره ۱۷).



تصویر شماره ۱۷: مسیرهای آب و حوض‌ها در کانون فضای باز، پروژه مسکونی در حال ساخت در مشهد، مأخذ: مدیری دوم، ۱۳۹۲

دیده می‌شود؛ اما متأسفانه بخش مهمی از کارکردهای فیزیکی و متافیزیکی خود را از دست داده است.

۵- امروزه حضور طبیعت در مسکن ایرانی در حد حیاط خلوت، پاسیو (حیاط محصور)، تراس و بالکن تضعیف شده است. مطمئناً هیچ کدام از این فضاها نمی‌توانند کارکردهای حیاط اصلی را در مسکن داشته باشند.

۶- حذف کارکردهای حیاط از مسکن ایرانی به منزله حذف طبیعت از فضاهای زیستی است که این موضوع با فرهنگ، نوع نگرش و جهان‌بینی، روش زندگی و البته آموزه‌های دینی ما کاملاً مغایرت دارد.

در ایران، نیاز مداوم به مسکن که یکی از مسائل مهم سیاسی و اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهد سبب شده است تا به این موضوع بیشتر از دید فنی اجرایی و کمی توجه شود تا از دید کیفی. یکی از این مسائل کیفی جایگاه فضای باز در مسکن ایرانی است. امروزه در بسیاری از خانه‌ها فضای باز وجود دارد اما چشمان خانه‌های معاصر ایران به روی آن بسته است. در نگاه نخست ممکن است به نظر برسد این اتفاق محصول مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های طراحی در شهرهای بزرگ و کلان شهرها است. اما با نگاهی عمیق‌تر می‌بینیم که این اتفاق تنها برای خانه‌های موجود در کلان شهرها نمی‌افتد، بلکه به تبع آن، دامنه این موج سایر شهرها و حتی روستاهای ما را نیز درنوردیده است. معماران معاصر امروز باید به این باور برسند که حضور حیاط برای زندگی پر دغدغه امروز حتی ضروری‌تر از گذشته است. احیای فضای باز معنادار در آپارتمان‌های امروزی مسأله مهمی است که راه‌حل‌های متعددی را در مورد آن باید بررسی نمود. کشاندن حیاط از کف به ارتفاع برای استفاده بهینه از زمین، حیاط‌های پیش آمده و پله‌ای، حیاط‌های فرو رفته در بنا، تجمیع فضاهای باز جمعی (تبدیل خُرد حیاط‌ها به کلان حیاط در طرح) تنها برخی از راه‌کارهای قابل ارائه در جهت حل این مسأله است. هر چند دست‌یابی به راه‌کارهای واقعی و اجرایی، موضوع مهمی است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد.

راه‌کارهای پیشنهادی

راه‌کارهای زیر با هدف غلبه بر بخشی از محدودیت‌ها و معضلات موجود در مجموعه‌های مسکونی با تأکید بر اصول طراحی فضاهای مسکونی در گذشته تاریخی ایران ارائه می‌گردد. بدون شک این راه‌کارها در همه مجموعه‌های مسکونی اجرایی نبوده و بسته به نوع و محدودیت‌های طراحی می‌تواند تغییر کند.

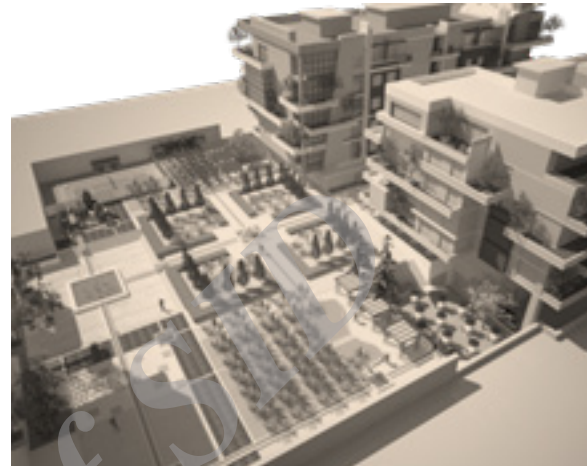
۱. فضاهای باز عمومی در مجموعه‌ها با اعمال تدابیر حصارکشی شامل احداث دیواره‌های کوتاه، دیواره شفاف، نصب نرده، کاشت شمشاد یا ترکیبی از این تمهیدات محصور گردد و محدوده آن به عنوان فضایی معین تعریف شود (تصویر شماره ۱۶).

باز عمومی بسیار محدود است، این امکان به سهولت در طرح‌های آماده‌سازی زمین فراهم است. از همین رو ضروری است با متابعت از سنت باغ‌سازی، به جای آن که حداکثر اهتمام به منظور استقرار فضاهای سبز در محدوده‌های مرکزی محوطه‌های مسکونی به عمل آید، همزمان امکان بهره‌گیری از شیب زمین به عنوان عامل ایجاد تنوع بصری و مناظر بدیع نیز به عنوان یک گزینه مورد بررسی قرار گیرد و از تسطیح بی‌رویه اراضی شیبدار و ایجاد فضاهای سبز در اراضی صاف و مسطح ممانعت به عمل آید. در این خصوص در طراحی فضاهای باز شهری استفاده از امکاناتی که اراضی کوهپایه‌ای در ایجاد بوستان کوهستانی فراهم می‌آورد، توصیه می‌شود. با این وجود نگاهی به محوطه‌سازی بوستان‌های کوهستانی - به عنوان مثال بوستان کوهستانی صفا در شهر اصفهان - مبین آن است که حتی در صورت سامان‌دهی چنین زمین‌هایی، استفاده مطلوب و مؤثر از امان‌های معماری و عنصر آب با تأکید و بهره‌گیری از ویژگی‌های مثبت شیب زمین به عمل نمی‌آید.

۶. عرصه و قلمروهای فضاهای ایستا و پویا به روشنی تعریف و مشخص گردد و تا حد ممکن سعی شود از تداخل حرایم فضاهای تعریف شده ممانعت به عمل آید. با نگاهی به انبوه مردمی که از چمن به عنوان مکان نشیمن استفاده می‌کنند و ضمن آسیب‌رسانی به چمن‌ها، نیمکت‌های موجود را خالی بر جای می‌گذارند، گواهی بر این ادعا است که نیمکت‌های موجود با شرایط فرهنگی - اجتماعی کشور ما همخوانی نداشته و ضروری است در طراحی فضاهای سبز، در جوار استفاده محدودتر از نیمکت‌ها که در محل‌های مناسبی جای گرفته‌اند از سایر میلمان شهری که نخست با شرایط اقلیمی و آفتابی نسبتاً شدید در طول روز هماهنگی داشته و سپس امکان تعامل و ارتباطات رودرروی اجتماعی را با سهولت بیشتری میسر می‌سازد، استفاده شود. در این باره راه‌کارهای اجرایی زیر پیشنهاد می‌شود:

الف - در فضاهای پویا و محورهای پرتردد پیاپی، با توجه به حریم شخصی که به طور معمول بین ۷۶ تا ۱۳۹ سانتی‌متر در نظر گرفته می‌شود و متوسط عرض نیمکت که در حدود ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر است، چنان‌چه پیاده‌رو از عرض کافی - حداقل ۳ متر - برخوردار باشد و چنان‌چه با اعمال تدابیری از جمله تغییر نوع یا رنگ کف‌پوش پیاده‌رو، بر مسیر تردد عابران پیاده و حفظ حریم شخصی افراد نشسته تأکید گردد، استقرار نیمکت در جوار پیاده‌رو ناقض حرایم شخصی نیست. در غیر این صورت، به نظر می‌رسد در پیاده‌روهای باریک‌تر، به ویژه زمانی که پیاده‌رو در جوار حاشیه یا میانه سبز معابر قرار دارد، قطع حاشیه سبز و استقرار نیمکت‌ها به صورت جمعی در گروه‌های دو یا سه‌تایی و عمود بر محور پیاده‌رو، بر قابلیت عملکردی این عنصر فضای باز بیافزاید و محصوریت نسبی فضایی

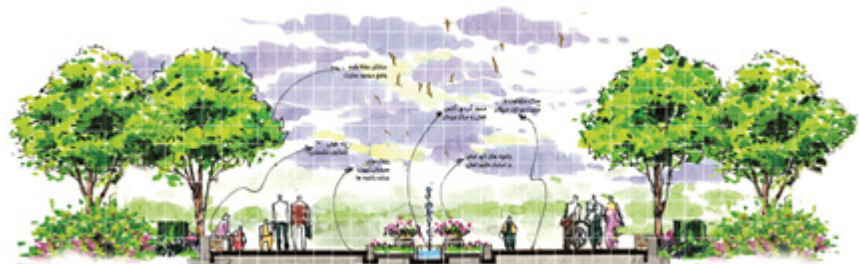
۳. نگاه به فضای باز در مجموعه‌های مسکونی باید همچون حیاط با کاربری عمومی و سلسله‌مراتبی از فضای باز عمومی تا خصوصی باشد که عمومی‌ترین این فضاها، حیاط‌های جمعی و خصوصی‌ترین آن‌ها حیاط‌های مختص واحدهای مسکونی است که می‌تواند در طبقات شکل گرفته باشد. در این نگاه باید سعی شود فضا به عنوان عامل سازمان‌دهنده و شکل‌دهنده به توده‌ها باشد تا فضای باز به جایگاه اصلی خود نزدیک شود و محوریت مجموعه را به عهده گیرد (تصویر شماره ۱۸).



تصویر شماره ۱۸: مجموعه فضاهای باز خصوصی و عمومی، پروژه مسکونی در حال ساخت در مشهد، مأخذ: مدیری دوم، ۱۳۹۲

۴. تعاملات اجتماعی از نکات مهم در پایداری و ماندگاری فضاهای عمومی مجموعه‌ها است. نکته مهم نحوه برخورد با طراحی، جانمایی و فعال‌سازی این گونه فضاها است. باید سعی شود امنیت فضاهای باز تأمین شود و در این باره بهتر است تا حد امکان از دسترسی سواره دور باشد (تصویر شماره ۱۹). با توجه به سلسله مراتب فضایی باید سعی شود فضاهای باز عمومی در فضاهای همسایگی و نزدیک ورودی واحدها قرار نگیرد؛ در عین حال دسترسی مناسب از ورودی‌ها و فضاهای همسایگی داشته باشد و تا حد امکان از پنجره واحدهایی که از این فضا استفاده می‌کنند قابل رؤیت باشد. سعی شود کاربری‌های عمومی مانند خرده‌فروشی‌ها (تجاری خرد، کافه و ...) و فضاهای خدماتی محدود در تعامل نزدیک با این فضا باشند و در مجموع فضا امکان وقوع فعالیت‌های مختلف را در زمان فراهم نماید.

۵. چنان‌چه بپذیریم در بافت‌های پر شهری امکان بهره‌گیری از ویژگی‌های طبیعی، به ویژه شیب زمین در احداث و تجهیز فضاهای



تصویر شماره ۱۹: میدان گردهم‌آیی در انتهای محور اصلی فضای باز یک مجتمع مسکونی طراحی شده در راستای تأمین پایداری فضایی (مدیری دوم، ۱۳۹۲)

که به تناوب در کشورهای حوزه خلیج فارس به کار گرفته می شود، هنوز جایگاه واقعی و مطلوب خود را در فضاهای سبز شهرهای جنوبی کشور نیافته است. کاهش استفاده از پوشش چمن، مستلزم استفاده وسیع تر از گل ها و گیاهان معطر است که در جهت اغنای روانی استفاده کنندگان از چمن و غلبه بر یک شکلی و تکرنگی فضاهای سبز نیز توجیه می یابد.



تصویر شماره ۲۰: طراحی هدفمند فضاهای باز فعال، پروژه مسکونی در حال ساخت در مشهد، مأخذ: مدیری دوم، ۱۳۹۲

۹. با بهره گیری از نورپردازی، ضمن تأکید بر نقاط عطف و کانون اصلی فضاها، می توان بر جاذبه و ضریب ایمنی فضا در شب افزود.
۱۰. فضای باز عمومی در مجموعه ها با رعایت همه اصول یاد شده هم نمی توانند به تنهایی جایگزین حیاطها در خانه ها باشد و ضروری است هر واحد به تنهایی دارای فضای باز اختصاصی باشد تا بتواند پاسخ گوی فعالیت های خانواده ها باشد.
۱۱. برای ایجاد حس حیاط در ارتفاع و طبقات ساختمان های مسکونی باید جانمایی مناسب را در پلان در نظر گرفت به نحوی که دسترسی آن از فضای جمعی خانه و در صورت امکان دسترسی دوم از آشپزخانه باشد.
۱۲. فضاهای باز (حیاط) در طبقات باید دارای ابعاد مناسب و متناسب با مترای واحدها باشد تا قابلیت انجام فعالیت های مورد نیاز خانواده را داشته باشد و حداقل باید دارای ابعاد کوچک ترین اتاق واحد باشد.
۱۳. با توجه به مطالب گفته شده برای رعایت تناسب، جلوگیری از محصوریت زیاد و ایجاد حس حیاط پیشنهاد می شود ارتفاع این فضاها برابر ۱/۵ تا ۲ طبقه طراحی شود و این فضا در صورتی قابل استفاده است که از بیرون یا واحدهای دیگر اشراف نداشته باشد (تصویر شماره ۲۱).

مورد نیاز استفاده کنندگان را به شکل مطلوب تری تأمین نماید. به عبارت دیگر سعی شود تا حد امکان از استقرار فضاهای نشیمن به صورت خطی اجتناب ورزیده، آن را در فضاهایی نیمه محصور به شکل جمعی یا انفرادی تعبیه نمود.

ب - در مواردی که عرض مسیر محدود است، یا نیمکت تا حد امکان عقب نشسته و فضای پیاده رو را اشغال ننماید، یا در امتداد مسیر تردد پیاده، فضاهای مدور یا چهار گوشه به منظور استقرار نیمکت در نظر گرفته شود. همچنین بهتر است فضاهای نشیمن رو به جانب عناصر آب و گیاه و پشت به مسیر تردد عابران پیاده جهت گیری نمایند. در این باره می توان با بهره گیری از گیاه، محصوریت نسبی فضاهای نشیمن را هر چه بیش تر تأمین نمود.

ج - در فضاهای ایستا تا حد امکان از سکوهایی سرپوشیده به عنوان محوطه های نشیمن جمعی استفاده به عمل آید. این امر نه تنها با پیشینه تاریخی و نحوه گذران اوقات فراغت در فضاهای باز ما هم خوانی دارد، امکان به کارگیری عناصر معماری را در قالب ایجاد ابنیه کوشکمانند و در نتیجه زنده نمودن روحیه باغ های تاریخی فراهم ساخت. ایجاد فضاهای باز آلاچیق مانند در بخش هایی از محوره های پیاده، ضمن کاهش اثرات نامطلوب اقلیمی، موجب تعریف فضاهای پیاده می شود.

۷. عرصه و حریم فضاهای فعال و غیرفعال گذران اوقات فراغت به ویژه فضاهای بازی و تفریح کودکان شناسایی و در مقابل امکان ایجاد فضاهایی به منظور خلوت گزینی و به دور از سر و صدا فراهم گردد. در این خصوص دو راه کار اجرایی پیشنهاد می شود:

الف - در مواردی که مساحت اختصاص یافته به کاربری های سبز و تفریحی محدود است، قطعاتی فقط به بازی و تفریح کودکان اختصاص یابد و قطعاتی نیز فقط برای استفاده بزرگسالان طراحی گردد.

ب - در صورتی که فضا واجد مساحت مورد نیاز به منظور جای گیری توأمان فضاهای بازی کودکان و فضاهای سبز است، تا حد امکان با کاشت درخت و ایجاد مانع صوتی و محصوریت نسبی فضا، محوطه های بازی کودکان و فضاهای باز دارای فعالیت ورزشی را از محوطه های هم جوار مجزا ساخت (تصویر شماره ۲۰).

۸. به منظور ایجاد تنوع و به ویژه حفظ و ارتقای پایداری محوطه های سبز فضای باز مجموعه ها، در هر منطقه از گیاهان بومی و میلمان سازگار با شرایط اقلیمی همان منطقه استفاده گردد. به عنوان مثال درختان نخل به عنوان عنصر اصلی پوشش گیاهی



تصویر شماره ۲۱: نمونه حیاط های خصوصی طراحی شده در طبقات، مجتمع مسکونی در حال احداث در مشهد، مأخذ: مدیری دوم، ۱۳۹۲

فهرست منابع و مراجع

۱. احمدی، زهرا (۱۳۸۸)، «مطالعه نقش فضای باز در معماری سنتی ایران جهت بهبود و ارتقاء معماری معاصر»، *نشریه آبادی*، شماره ۶۸، صص ۵۲-۵۸.
۲. اسدیپور، علی (۱۳۸۵)، «الگوهای پایداری در معماری کویری ایران»، *فصلنامه معماری ایران*، شماره ۲۵، صص ۶۴-۷۹.
۳. بالمعنی، مریم و پورجعفر، محمد رضا (۱۳۸۸)، «مولفه‌های مؤثر بر ادراک فضایی میدان‌های شهری»، *نشریه آبادی*، شماره ۶۳، صص ۱۶-۶.
۴. پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، *زبان اقلیمی در طراحی محیطی پایدار*، جلد دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۵. پیرنیا، محمد کریم و معاریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، (ساختمان‌های درون شهری و برون شهری) چاپ دوم، سروش، تهران.
۶. تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، «تاملی بر روند دگرگونی میدان در شهرهای ایران»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۵، صص ۱۵-۲۴.
۷. توسلی، محمد؛ برکشلو، محمد؛ بنیادی، حسن و مومنی، ناصر (۱۳۶۸)، *طراحی در بافت قدیم شهر یزد*، چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۸. توسلی، محمد (۱۳۷۰)، *قواعد و معیارهای طراحی شهری*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۹. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۵)، *شهرهای انسان محور*، ترجمه دکتر حسین علی لقای و مهندس فیروزه جدلی، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، *نقش فضا در معماری ایران*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۱. رحمانی، الهه؛ نورایی، سمیه و شکر فروش، زهرا سادات (۱۳۹۰)، «بررسی سیر تحول الگوی پر و خالی در مسکن معاصر ایرانی»، *نشریه آبادی*، شماره ۷۰، صص ۶۲-۶۷.
۱۲. زمرشیدی، حسین (۱۳۹۰)، «آموزه‌های معماری ایرانی و ساختمان‌سازی مسکونی از دوره قاجاریه تا امروز»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره سوم، بهار ۱۳۹۰، صص ۱-۱۰.
۱۳. شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۸)، *روح مکان به سوی پایدارسازی معماری*، ترجمه محمد رضا شیرازی، نشر رخداده نو، تهران.
۱۴. طاهباز، منصوره (۱۳۷۴)، «اصول یک معماری کویری»، *نشریه صفا*، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۷۸-۸۹.
۱۵. غفوری، عطیه؛ یاسایی، سحر و کاملی، هدا (۱۳۹۰)، «آسایش در پناه سایه»، *مجله معماری و شهرسازی*، شماره ۱۰۱، صص ۱۴۰-۱۴۳.
۱۶. فون مایس، پی‌یر (۱۳۸۳)، *نگاهی بر مبانی معماری از فرم تا مکان*، ترجمه دکتر سیمون آیوازیان، دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. قاسمی سیچانی، مریم، معاریان، غلامحسین (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان»، *نشریه هویت شهر*، سال پنجم شماره ۷، پاییز و زمستان ۸۹، صص ۸۷-۹۴.
۱۸. کسمایی، مرتضی (۱۳۶۳)، *اقلیم و معماری*، چاپ اول، شرکت خانه‌سازی ایران، تهران.
۱۹. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳)، *معماری دوره پهلوی اول*، دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
۲۰. مدیری دوم، ایمان (۱۳۹۲)، *طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد حفظ جایگاه ارزشی فضای باز و احیای مفهوم باغ*